عنایت به مباحث کتب مشهوره قرائت و رسم المصحف رافع شبهات و اشکالات بر قرائات قرآن

خب صاحب مفتاح الکرامه فرمودند: «و أمّا القائلون بتواترها إلی أربابها فقط فلا یتجه علیهم إیراد الرازی[1]»؛ نسبت به ایراد رازی فرمودند «ظاهرهم الاتفاق علی خلافه»، ولی آنهایی که به تواتر قرائات به خود عاصم و... قائل هستند، «فلا یتجه علیهم ایراد الرازی». این هم خیلی عجیب است! ایراد رازی دو لنگه داشت. یک جا گفت، اگر میگویید متواتر است، پس چرا یک دیگر را منع میکنند؟! چون اگر چیزی را که متواتر است منکر شود، کافر میشوند. بعد گفت اگر بگویید متواتر نیست هم قطعاً باطل است. چون قرآن از تواتر میافتد. ایشان میگویند «لایرد علیهم ایراد رازی»! خب چرا؟! آنهایی که میگویند قرآن به این هفت نفر متواتر است، باید جواب آن لنگه آن را بدهند؛ آن نماز چه شد؟ قاعده اشتغال چه شد؟ قرآن کدام است؟

کتاب پژوهشی در رسم المصحف را چندبار در مباحثه آوردهام. یکی از کتابهایی که ظاهراً در این کتاب به آن نظر داشتهاند، در صفحه 76 این کتاب آمده است. میگویند: «پاسخ به شبهه قرائات مختلف همان تحریف قرآن است». من این را خواندهبودم. نمیدانستم ناظر به کجا است. در این فاصله برخورد کردم. صاحب الصحیح من سیرة النبی الاعظم، مرحوم جعفر مرتضی کتابی دارند به نام حقایق هامة حول القرآن الکریم. در مقدمه این کتاب میفرمایند وقتی من الصحیح را مینوشتم، ضمن تحقیقاتم دیدم بحث راجع به قرائات را باید بررسی کنم. خواستم آن را بهعنوان فصل و ملحقی از کتاب قرار بدهم، اما وقتی دیدم نسبتاً مفصل شد، آن را کتاب جدا قرار دادم. صفحه دویست و نود و شش این را دارند. عنوان ایشان این است: «القراءات .. تسامق القول بالتحریف»! خیلی عجیب است! ایشان در این کتاب بهشدت با قرائات مخالف هستند. اصلا میگویند اگر قرائات را پذیرفتید، تحریف را هم پذیرفتهاید.

آقایانی که این کتاب را مینوشتند در صدد برآمدند که جواب بدهند. عنوان این است: پاسخ به شبهه قرائات مختلف همان تحریف قرآن است. ایشان در آن جا میگویند چه شد؟ از عجائب کتاب حقائق هامه این است –تا به حال برای من حل نشده است- ایشان میگویند در رسم المصاحف یک اشتباه شده بود و ناسخ اشتباه کرده بود، اما امت نگذاشتند که این اشتباه بماند. امت تمام این اشتباهات را تصحیح کردند. دو یا سه بار این را تکرار میکنند. در مقدمه هم میگویند. درحالیکه اختلاف رسم مصاحف تا به حال که موجود است! ما که نمیتوانیم بگوییم امت اصلاح کردهاند. شما مصحف ورش را ببینید؛ «اوصی» و «وصّی» دارد. ما بگوییم امت اصلاح کردهاند؟! کسانی که شاگرد ایشان بودهاند بگویند که ایشان میخواهند چه بگویند؟!

قبلاً شاطبیه و رسم المصحف را عرض کردم که طلبه‌ها بخوانند. برای این بود که وقتی طلبه در ابتدای کار چیزی را می‌خواند...؛ چیزهایی که من الآن بالای شصت سال تازه دیدم؛ من تازه اسم عقیله را شنیده‌ام! رسم المصحف را دیده بودم. اما به یک مناسبتی شاطبیه را دیدم. شاطبیه خیلی معروف است، حرز الامانی. این هم از دهن آن آقایی که تشریف می‌آوردند شنیدیم. وقتی نشنیدیم چیزی نمی‌دانیم. عرض کردم! یکی از هم مباحثه‌های ما که واقعاً اطلاعات خوبی دارد. یک طلبه خوبی است، تا من گفتم شاطبیه، ایشان فوری گفتند شاطبیه چیست؟! حرز هم همچنین است. حرز الامانی همین شاطبیه است. خب عقیله چیست؟ بعد بعدنبال آن رفتم، اینها را می‌گویم که شما مثل ما نباشید، سه استاد و شاگرد بودند که نقش بسیار مهمی ایفاء کردند. خود شاطبی که به نظم و شعر در آورده است؛ حرز الامانی و وجه التهانی. معروف بودنش هم برای همین است. اینکه در قرائات بوده و قرائات هم خیلی کار می برده، معروف شده است.

اما ماندگاری شاطبیه برای این است که شاگردی داشته و شاگرد او هم دوباره شاگردی داشته، هر سه نفر در فضای علم القرائات ستاره‌هایی بودند! شاطبی، شاگردش سخاوی و سخاوی شاگردش ابوشامه. ابوشامه استادش سخاوی، استادش شاطبی، این سه نفر خیلی کار کردند. یعنی هم خود سخاوی شرح شاطبیه نوشت، هم ابوشامه شرح نوشت. ابرازالمعانی من حرز الامانی ، کتاب بسیار مهمی است که الآن خیلی خیلی معروف است. شرح حرز هم به آن می‌گویند.

خب این سه نفر چه کار کردند؟ اینها را شرح دادند. خود این آقای شاطبی در همین کتاب پنج قصیده دارد. یکی از آنها در حدیث است؛ خلاصه التمهید ابن عبد البرّ است که شرح موطأ مالک است. چهار قصیده خیلی معروف دارد که ما نشنیده ایم! تقصیر من است؟! ای تقصیر کم‌بود اشتهار آن است؟! اگر دنبال آن بروید می‌بینید که تقصیر من است. چرا؟ چون آنها در غایت اشتهار هستند. خیلی مشهور هستند. ما در این فضا آنها را نگفته ایم. خب حرز الامانی، منظومه شاطبی در قرائات است.

شاطبی منظومه معروف دیگری در رسم المصحف دارد. یعنی با نظم، قواعد رسم و مصاحف مختلف را توضیح داده است.منظومة عقيلة أتراب القصائد في أسنى المقاصد. عقلیه یعنی کریمه. شرح مفصلی هم دارد؛ جعبری آن را شرح کرده است، حدوداً در هزار سال ای نهصد سال پیش. من اول این را شنیدم و اول گفتم این عنوان به چه معنا است! خود این عنوان هم خیلی زیبا است. من فقط سریع می‌گویم که وقت نرود.

---

[1]مفاتح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين)، ج۷، ص۲۱۹

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 13:56:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 12:49:20 توسط ... .